

که ویرا دیدم که در میان منسیر یاد میکرد و می گفت لا اله الا الله محمد رسول الله
 رسول الله **در آن وقت** که سلمه بن الاکوع گفته است که روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم بر جمعی از اصحاب گذشت که ستمی اینستند
 فرمود که نیکیست این بازی ستم اندازند که یکی از بدر ان ستمی است
 انداخته است ستم اندازند که من با این لاکو قوم از ستم انداختن باز
 استاد فرمود که هر ستمی اندازید گفتند یا رسول الله جو تو با این
 لاکو با منی بر تم غلبه خواهد کرد رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود که من با همه
 شما یکم تمام آن روز ستم انداختند و آخر روز از یکدیگر جدا شدند
 برابر که بجهت یک بر دیگری غلبه کرده بودند **در آن وقت** که ابوسمید
 خذری رضی الله عنه گوید که در جوانی مدینه شیبانی کو سفندی هر ستم
 کردی خوانست که یک کو سفندی از زمره وی بر یاد شیبان مایع آن که گفت
 آن کرک بر دم خود بازشست و گفت از خدای تعالی می ترسی که میان
 من و روزی من جایل سندی شیبان گفت عجب عالمی که کرک بر دم خود
 نشسته است و چون آدمیان سخن میگویند کرک گفت عجب ستم انداختن
 گفت که رسول الله صلی الله علیه و سلم در مدینه با مردمان خضر فرزندای که

میگویند بان کو سفندی ان خود را را اندر ان گرفت ما بعد ستم رسید
 انهار اجای مضبوطه ساخت و پیش رسول الله صلی الله علیه و سلم
 در آمد و ان قصه را باز گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم گردان آمد
 و رانی را گفت که آنچه کرک گفته است با مردم بگوی شیبان
 برخواست و انرا با مردم بگفت رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت
 شیبان راست میگوید از علامات قیامت است که سبلع
 یا آدمی سخن گویند **در آن وقت** که روزی اهبان بن
 اوس خراعی در میان کو سفندی ان خود بود ناگاه کرکی کو سفندی
 از زمره وی در بود و بدید اهبان گفت و الله که من هرگز کسی
 ظالمتر ندیده ام و در عقب وی بر وید تا کو سفندی از وی بستاند کرک
 بسخن آمد و گفت مرا محرم و م میکرانی از آنچه خدای تعالی امر او را
 کرده است اهبان گفت عجب از کرکی که سخن میکند کرک گفت عجب ستم
 ازین الله محمد در مجلس ان شرب طاهر شده است و شمار انگشتر
 خدای تعالی میخواهند و شما از وی عاقبت اید اهبان گفت کو سفندی ان
 مرا که نگه میدارد از من پیش روی روم کرک گفت من محافظت غایم

Handwritten marginal notes in Arabic script, including the name 'ابو سید' and other illegible text.

بگویند شیبان